



امیدوارم مشکلات مالی باعث بی انگیزگی بازیکنان نشود

کل محمدی: چطور مبلغ قرارداد سرمربی تیم ملی را متوجه نشدید؟

بازگشت پرسروصدای محمدیان به تیم ملی کشتی آزاد

عبور از غول آمریکایی

فوتبال ایران منتظر تصمیم هیأت اجرایی AFC

حق میزبانی ایران در خطر

وزیر ورزش، رئیس سابق فدراسیون فوتبال و اعضای هیأت رئیسه فدراسیون باهمه وجود در حال دیپلماسی برای حل مشکل میزبانی ایران در لیگ قهرمانان آسیا هستند. کمیته مسابقات AFC تقاضای بازی در کشور ثالث را داده است. کمیته اجرایی AFC این پیشنهاد را مصوب و ابلاغ نکرده است.

قائمی: با این تعداد بازی تدارکاتی نمی شود صعود کرد
از کادرفنی پیرسید چرا فیکس نبودم

باسرمربی و کادرفنی خوب و بازیکنانی که داریم می توانیم قهرمان شویم
دشتی: آقا فرهاد گفت بمان بازیات را دوست دارم



سال بیست و سوم | شنبه ۲۸ دی ۱۳۹۸ | ۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۱ | ۱۸ Jan 2020 | شماره ۶۳۹۹

مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال ۲۵ اسفند برگزار می شود

طرح اجماع ملی برای نجات فوتبال



انتقال رویایی به خانه ازدها

طارمی در آستانه حضور در یک تیم بزرگ اروپایی

نگاه جمعی، نگاه فردی داشتیم. به جای کار گروهی، فردی تلاش کردیم؛ دور از چشم دیگران. اگر اجماع ملی برای فدراسیون فوتبال ایران شکل بگیرد، افراد با مشورت پذیری بالا انتخاب خواهند شد چون خود را وامدار گروه بزرگی در پشت سر خود می بینند و آنگاه به رفتار متمدانه تری می رسیم. مشورت در این گزاره به معنای دخالت نیست، به معنای بازی دادن همه نیروهای فعال برای نجات فوتبال است.

جمعی است. مدل مطلوب برای وضع موجود همین است. راهی جز استفاده از مردان و زنانی دانا، جوان، باتجربه، برنامه محور، دنیا دیده و با تفکری اقتصادی نداریم. اشتباه را نباید با اشتباه جبران کرد. جبران اشتباه را باید با راهکار همراه کرد. باید بپذیریم روش های گذشته منسوخ بوده که نتیجه اش وضع موجود است؛ حرکت بر سطح و دوری از عمق. ادبیات جاری فوتبال ایران نیاز به بازنگری تازه دارد.

برداشته شده به مقصد نرسید و هیچ کدام از دو رئیس سابق، گزارشی ارائه نکردند تا چشمها بازتر و گوشها شنواتر شود. یکی از پرسشهایی که کمتر به آن پرداخته می شود، این است که رئیس آینده فدراسیون فوتبال ایران باید چه خصوصیتی برای اداره فوتبال داشته باشد؟

۴ **شهامت؛ دیوبند و سیاحت در کنایش می نوسد:** «اگر نتوانید تغییر کنید، نمی توانید رشد کنید. اگر نتوانید رشد کنید، نمی توانید بهترین باشید. اگر نتوانید بهترین باشید، نمی توانید شاد باشید و اگر نتوانید شاد باشید، چه چیز دیگر مهم است؟» فوتبال ایران نیاز به تغییر، رشد، بهترین بودن و شاد زیستن دارد. فوتبال ایران باید محلی برای «ذلت بردن» باشد. اگر فوتبال ایران بخواهد مثل همیشه همان کاری را انجام دهد که قبلاً انجام می داد، دیگر آنچه که قبلاً به دست می آوردیم را به دست نخواهیم آورد، چرا که دنیا تغییر کرده است. ششامت تغییر کردن به فرد این امکان را می دهد که بتواند واقعیت های وجودی اش که برای او کاربردی ندارند و مانع پیشرفت می شوند را رها کند. فوتبال ایران محتاج رها شدن از مدیریت سنتی است. محتاج رها شدن از کمک های دولتی. محتاج فاصله گرفتن از ابهامات مالی. فاصله از اداره هیاتی. فوتبال ایران سالهاست اعتماد به نفسش را از دست داده است. «شهامت» حلقه مفقوده مدیریت فوتبال ایران است. از آن سو، قبول مسئولیت اداره فدراسیون فوتبال در این شرایط بفرنج اقتصادی نیازمند شهامت و شجاعت است و پیدا کردن افرادی که حاضر باشند بیاینند و در «این فوتبال» کار بزرگی کنند، کار آسانی نیست؛ البته اگر نخواهیم دنبال همان آدم های تکراری باشیم.

۳ **اداره جمعی؛** فراتر از یک بازی معمولی است. همانند اجرای یک نمایشنامه، روی سن به نام مستطیل سبز که هم دیالوگ دارد، هم میزان سنن، هم بازیگر و البته کارگردان. فوتبال اجتماعی است و به ما می آموزد چگونه تمرین، تکرار و تجربه کنیم. فوتبال به ما یاد می دهد چگونه با کار گروهی به نتیجه برسیم. چگونه کنار همدیگر به موفقیت برسیم. چگونه با همدیگر بیاموزیم و چگونه زندگی کنیم، بجنگیم و شجاع باشیم. فدراسیون فوتبال ایران هم باید جمعی اداره شود. محسن صفایی فراهانی بیست و پنجم دی ماه ۱۳۸۶ در روز معارفه علی کفاشیان و اعضای جدید هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال گفت: «در انتخابات فدراسیون فوتبال نیز گفتم که اساسنامه جدید با اساسنامه گذشته، ماهیتش تفاوت کرده است. در هیأت رئیسه گذشته رئیس با هیأت رئیسه مسئولیت مشترک نداشتند، ولی هم اکنون رئیس به همراه دیگر اعضا به صورت یک تیم یک مسئولیت سنگین را انجام می دهند و همه فشارها بر دوش یک فرد نیست. امروزه دیگر مسائل و مشکلات فوتبال، تنها مربوط به زمین فوتبال نیست و باید خیلی گسترده تر از آن فکر کنیم. فوتبال مقوله ای است که می تواند در شرایط یک کشور نیز تأثیرگذار باشد. بنابراین فدراسیون جدید با توجه به مسئولیت چهارساله ای که از جمع گرفته می تواند با حمایت مجمع به کار خود ادامه دهد.» فوتبال ایران نیازمند «اجماع ملی» برای «نجات فوتبال» است. افرادی انتخاب شوند که بتوانند خراجی به گل نشسته فوتبال ایران را به حرکت در آورند و این افراد، ویژگی های منحصر به فردی داشته باشند. ما در همه این سالها مدیران ساختیم اما می شود مدیرانی را یافت که در قالب اجماع ملی کار کنند، نوآوری داشته باشند و با برنامه حرکت کنند. افرادی که از دل اجماع ملی انتخاب می شوند، همراهتر، هماهنگتر، مشورت پذیرتر و عقلانی تر هستند. توقع از وزیر ورزش و دیگر اعضای مجمع فدراسیون فوتبال این است که آغاز کننده این موج باشند. این راه، نزدیک ترین، مهم ترین و کوتاه ترین مسیر برای تحول است. آنچه امروز می بینیم، فرسنگها با فضای داخلی و بین المللی فاصله دارد و شاهد ضربات جبران ناپذیری بدلیل فقدان این نقشه راه در همه این سالها بودیم. در همه این سالها اگر رویه درست تر و حساب شده تری داشتیم، منجر به پرورش بسیاری از نیروها می شد اما نگاه حذفی موجب شد هرگز شاهد رویش های تازه در سطح بالا نباشیم. خط کش گذاشتیم و آدمها را حذف کردیم. به جای نگاه انبساطی، نگاه انقباضی داشتیم. به جای

۱ **انگیزه؛** مدیر و کارکنان دو عنصر مهم در مدیریت فدراسیون فوتبال ایران هستند. آنها اگر برنامه ای در کار باشد باید با هم کار کنند، پشتیبان هم باشند و به وظایف خود عمل کنند. اساس کار موفق، «انگیزه» است. استمرار موفقیت های یک فعالیت مرهون همین نکته است. فوتبال ایران نیازمند انگیزه های تازه است تا گام های مهم در درون کشور، آسیا و جهان بردارد. گام های متوازن در حوزه های زنان و فوتبال پایه. گام های استوار در ساختار لیگ داخلی. گام هایی حساب شده برای تیم ملی. قدم هایی حساب شده برای بازگرداندن اعتبار کم رنگ شده، برای جایگاه های از دست رفته و به دست نیامده. این همه جز با مدیران و کارمندان پرانگیزه اتفاق نمی افتد تا قطار فوتبال ایران را به حرکت در بیاورند.

۶ **آینده فوتبال؛** ما نیاز به افرادی داریم که اصول مدرن را برای فوتبال طراحی کنند. بتوانند گسیل عمیقی که میان فوتبال و افکار عمومی ایجاد شده است را برکنند چرا که فوتبال، آسیب سنگینی در حوزه سرمایه اجتماعی به بار آورده است که به همین راحتی فراموش نمی شود. اشتباهات بعدی سنگین تر و هزینه های بیشتر خواهد بود. ما نیاز به نگاه جمعی و جذبی داریم. فوتبال ایران در نقطه عطفی تاریخی قرار گرفته است. فرصتی که می تواند منجر به انتخاب فردی شود که فراتر از مسائل جناحی، خطی و سیاسی باشد. همه ما - مخاطبان، مدیران و حتی اعضای مجمع - که این ستطور را می خوانیم، گزینه هایی در ذهن داریم اما باید رئیس و اعضای هیأت رئیسه ای را انتخاب کنیم که «کارآمدی» داشته باشند، حرفه ای مدیریت کنند و مسئولیت پذیر و متعهد باشند چون این تصمیمی سابقه است، خروجی، کاری تازه، مدرن، نو و بی سابقه خواهد بود. برای کار نو، نیاز به افرادی نو و تفکرانی نو داریم. در این تیم، آدم های باتجربه و کارآمد هم حضور دارند و بخشی از این پازل خواهند بود. فدراسیون داری در این سالها کاملاً غلط جلو رفت و «مدل مطلوب»، تغییر وضع موجود است. این درد مشترک، درمان مشترک می طلبد و افرادی که این فاکتورها را دارند، «خیر مشترک» به فوتبال ایران می رسانند. از تجربه های پر هزینه دوری کنیم، ورود تا کارآمدها را محدود کنیم. با ذمه بین دنبال افرادی باشیم که به فعالیت تیمی اعتقاد دارند و خودشان هم تیم داشته باشند. افرادی که کارآمدی دارند و مسئولیت پذیرند. در عین تعامل به مسئولیت دوطرفه معتقدند. مسئولیت استفاده می کنند و با شناسایی حوزه هایی که می تواند کم سابقه یا بی سابقه است، باید به این تصمیم برسیم. تصمیمی با رگه های عقلانی که کمترین خطا را دارد و گرایش به نخه گرایی دارد. آیا بیست و پنجم استفاده اسمال به این نقطه خواهیم رسید؟

۵ **کارآفرین به جای مدیر؛** در نظر گرفتن فوتبال به عنوان استعاره برای هر مقوله مرتبط به کسب و کار ممکن است عجیب به نظر بیاید اما باید پذیرفت کنترل بودجه در یک فدراسیون یا یک باشگاه با فرانت می تواند شباهت های زیادی به کارآفرینی داشته باشد. خروجی مدیریت در این سالها مشخص و نتیجه روشن است؛ ورشکستگی فوتبال. فوتبال نیاز به چهره های اقتصادی، جوان اما پر تجربه و به روز دارد تا در قامت یک «کارآفرین» وارد شود. فردی که از فرصت های حاصل از شبکه های تحت مدیریتش استفاده می کند و با شناسایی حوزه هایی که می تواند در آنها مؤثر باشد، منابع موجود را بهبود می بخشد. هدف این خواهد بود که به شناسایی شرایط و رویه هایی منجر شود که سرمایه گذاری های تجاری ناگهانی با گرایش اجتماعی در آنها شکل گرفته باشد. این مورد می تواند شامل ایجاد سازمان های جدیدی باشد که به محیط اجتماعی، اقتصادی وابسته هستند. کارآفرینی در فدراسیون فوتبال، تکوین استحکام سرمایه گذاری را

۲ **هنوز اساسنامه؟** در حالی که کنار گوش ما، قطر، خود را برای برگزاری جام جهانی آماده می کند، فوتبال ایران درگیر این سؤال است: «چرا فوتبال هنوز اساسنامه ندارد؟» نیاز قطر به ساخت ورزشگاهها و مراکز تفریحی و اقامتی برای مسابقات جام جهانی فوتبال باعث شده که بزرگترین و موفق ترین شرکت های عمرانی برای ساخت این ورزشگاهها و مراکز به قطر بیایند و اقتصاد قطر را دستخوش تغییرات مثبتی کنند. بانک ملی قطر در گزارشی قید کرده که سرمایه گذاری ها در صنعت ساخت و ساز، نقطه عطفی برای ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر دانش در این کشور موسوم به «چشم انداز ۲۰۲۰» است. علاوه بر آن، میزبانی جام جهانی ابزاری کلیدی برای دستیابی این کشور به هدف بلندمدت مدرن سازی اقتصاد محسوب می شود. با توجه به اینکه ایجاد و رشد یک اقتصاد مبتنی بر دانش، نیازمند سرمایه و نیروی انسانی است، میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ را می توان فرصتی برای اقتصاد قطر دانست. برگزاری این رویداد بزرگ ورزشی به این کشور کمک می کند تا نیروی انسانی ماهر و متخصص خود را از سایر نقاط جهان جذب کند اما بحثها در فوتبال ایران در نازل ترین سطح است؛ هنوز در بدیهیات مانده ایم و پاسخی برای پرسش های ابتدایی نداریم و ابتدایی ترین مسائل، محل نزاع است. فوتبال ایران اسپر آدم های تکراری است. افرادی که در تولید ادبیات فوتبال ناتوان هستند و ایده های برای اداره خانواده بزرگ فوتبال ندارند. نویسنده اعتقاد دارد نمی توان همه افراد باتجربه را کنار گذاشت. اتفاقاً باید از این افراد استفاده برد اما این روشی که در پیش گرفتیم نیاز به بازنگری جدی دارد. تنها راه برون رفت از این وضعیت، «فعالیت



علی عالی

این روزها اعضای مجمع فوتبال ایران چون تن بی سر به دنبال چهره های هستند تا آنان را رهبری کنند. روزهایی که فوتبال ایران «بی ناه» است و اخبار بد، کام فوتبال دوستان را تلخ می کند. آخرین خبر، شوکه کننده بود و محرومیت ایران از میزبانی نشان می دهد با وجود اینکه رئیس سابق فدراسیون فوتبال عضو کمیته ۲۴ نفره هیأت اجرایی است اما همچنان قدمی برداشته نمی شود. بیگان سیاست به سوسوی فوتبال ایران هدف گذاری شده است و فوتبال، رئیس ندارد که با حقوق بین الملل، افکار عمومی و مردان تصمیم ساز و تصمیم گیر فوتبال آسیا را اقتاع کند. بحران اعتماد، حلقه مفقوده چهره هایی که بر مسند کار نشسته اند و هواداران در نازل ترین سطح، حامی شان هستند. بر سر این فوتبال بی سر چه آمده که چنین بی سر و صاحب شده است؟

داستان سراسیمگی فوتبال ایران را باید از سالها دورتر روایت کرد؛ نوزدهم دی ماه ۱۳۸۶. اواسط دهه هشتاد، دو نام در ابتدای لیست منتخبین مجمع فدراسیون فوتبال گرفت: علی کفاشیان رئیس و مهدی تاج نایب رئیس. علی کفاشیان وقتی به عنوان یکی از گزینه های ریاست فدراسیون فوتبال مطرح شد، کمتر عضو مجمعی او را جدی می گرفت. او برنامه ای هم برای اداره فوتبال نداشت. هیچ طرح مکتوبی برای اقتاع اعضای مجمع فوتبال از سوی او ارائه نشد. همان زمان محسن صفایی فراهانی رئیس کمیته انتقالی وقت و مسئول برگزاری انتخابات بعد از تعلق به کفاشیان گفت: «برای چه به فوتبال آمدی؟ اینجا با فدراسیون دو میمانی متفاوت است. اصلاً برنامه ای داری؟» و تنها نامزد ریاست فوتبال ایران در مواجهه با چنین پرسشی فقط خندید و گفت: «من همین جوری آمدم و علی آبادی رئیس فدراسیون خواهد شد.» و بعد خنده ها و بی برنامه گی هایی که دیگر جزوی از سیستم مدیریتی کشور شده بود، خرابی هایی به بار آورد که قابل مقایسه با هیچ دوره ای در فدراسیون فوتبال ایران نیست. داستان مهدی تاج اما متفاوت بود. با شعار «برنامه محوری» آمد اما نتوانست تا آخرین روز طبق برنامه بر سر کار بماند. این مهم ترین پیچ تاریخی فوتبال ایران در یک دهه گذشته است. مهدی تاج استعفا کرده است و حیدر بهاروند، یکی از مدیران کم حاشیه و آرام فوتبال ایران زمام امور را به دست گرفته و همین می تواند تضمین انتخابات سالم برای فدراسیون فوتبال باشد. سرپرستی که می خواهد در آرامش، انتخابات را برگزار کند و صندلی را تحویل رئیس آینده دهد. دوران پر تنش ریاست علی کفاشیان و مهدی تاج به پایان رسید. جایگزین او کیست؟ رئیس بعدی فدراسیون فوتبال ایران احتمالاً یک «برنامه» تحویل خواهد گرفت. فدراسیون به سکون رسید و از حرکت بازماند. قدم های